



چکیده

نهج البلاغه پس از قرآن کریم، ارزشمندترین کتاب هدایت و انسان‌سازی است که در جای‌جای آن، انعکاس آیات آسمانی قرآن مشهود است. امام علی (ع) در نهج البلاغه که گزیده‌ای از سخنان آن حضرت است، به‌طور صریح به آیات قرآن کریم استشهاد کرده و یا اقتباس نموده است. یکی از پراهمیت‌ترین گونه‌های اقتباس، اقتباس مفهومی یا استنباطی است که نقش اساسی در تفسیر آیات قرآن و رازگشایی از مضامین والای آن دارد. قطب راوندی با اشرافی که بر معانی قرآن داشت، توانست در کتاب منهاج البراعه، در مواردی که ذکری صریح از قرآن نبوده، اقتباس‌های نهج البلاغه از قرآن را مشخص کند. ایشان با این پژوهش ارزنده نشان می‌دهد کلام امام علی (ع) نه تنها از نظر فصاحت و بلاغت، بلکه از نظر معنا و حقایق نیز برخاسته از قرآن کریم است. این جستار تلاشی است برای شناساندن این مواضع که با روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: قطب راوندی، منهاج البراعه، نهج البلاغه، اقتباس، قرآن.

بررسی گونه‌های اقتباس
قرآنی در منهاج البراعه
قطب‌الدین راوندی

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه کاشان/ sobhaninia41@yahoo.com

۱. مقدمه

با توجه به اینکه قرآن کریم منزلت و مکانتی خاص نزد مسلمانان دارد و بهترین منبع و سرچشمه‌ای است که ائمه (ع) مضامین عالی و بلند خود را از آن می‌گیرند، امام علی (ع) نیز در *نهج البلاغه*، به طور فراوان از آیات قرآن بهره برده است. پیوند دوسویه قرآن و امیر مؤمنان (ع) حقیقتی است که از کلام پیامبر اکرم (ص) گرفته شده است که می‌فرماید: «عَلِيَ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ»: علی با قرآن است و قرآن با علی؛ و آن دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض به من برسند» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۰). به یقین، پس از پیامبر اکرم (ص) آشناترین فرد به مفاهیم بلند قرآن، امام علی (ع) است؛ بر این اساس می‌توان گفت: *نهج البلاغه* نوعی تفسیر قرآن است. امام علی (ع) با شیوه‌های مختلف، به تبیین آیات الهی پرداخته است. یکی از اشکال به کارگیری و تبلور آیات قرآن کریم در کلام امام علی (ع)، «اقتباس» است.

اقتباس از قرآن، از آغاز شیفتگی مسلمانان به این کتاب آسمانی تاکنون رواج داشته است. *نهج البلاغه* که به برادر قرآن شناخته شده، تفسیری بی‌همتا از آیات تابناک وحی است. پیوند امام علی (ع) و قرآن، پیوندی حقیقی است که یکی بدون دیگری، قابل تصور نیست. فراوانی تنوع اشارات و معانی قرآنی در کلام امیرالمؤمنین علی (ع)، تا حد زیادی به بزرگ شدن در خانه وحی و مشاهده نزول آیات بر پیامبر (ص) و جمع‌آوری قرآن به وسیله آن حضرت و سابقه ایمان ایشان برمی‌گردد. *نهج البلاغه* از نظر صورت و معنا، به شدت تحت تأثیر قرآن و در حقیقت فرزند قرآن تالی تلو قرآن است. با سیر و تأمل در *نهج البلاغه* می‌توان به تأثیر قرآن بر *نهج البلاغه* پی برد. این کتاب شریف، سرشار از اشارات مستقیم و غیرمستقیم به آیات قرآن است. امیرالمؤمنین (ع) در سراسر سخنان خود در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصاری که از ایشان بر جای مانده، از آیات بسیاری استفاده کرده‌اند. به طوری که در بسیاری از موارد، درک دقیق معنای مورد نظر امام (ع) جز از طریق آشنایی با متن پنهان و شناخت چگونگی رابطه این دو کتاب با یکدیگر میسر نیست. این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که در پرتو استخراج اقتباس‌های قرآنی *نهج البلاغه*، می‌توان تفسیری ناب از قرآن کریم در این مجموعه ارزنده به دست آورد.

قطب راوندی در شرح خود، از روش‌های گوناگونی همچون تاریخی، فقهی، ادبی و بلاغی استفاده کرده است اما وجه غالب آن ادبی- لغوی است؛ چنان‌که ایشان در مقدمه شرح خود، رویکرد اصلی‌اش را چنین بیان می‌کند: «بدان، من در صدد شرح کافی بر کتاب هستم، نکته‌های

لفظی و معنوی، ادبی و اصولی در هر فصل را بیان می‌کنم و الفاظ غریب و معانی عجیب را تفسیر و به غوامض و نوادر سخن اشاره می‌نمایم و معانی آن‌ها را با لفظی آسان ذکر کرده تا قسمت‌های مشکل استخراج شود (راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۹). این سخن نشان می‌دهد قطب راوندی شرح خود را بر بنیان شرح لغوی، استوار ساخته است. با این حال، آمیختگی نهج البلاغه با قرآن کریم که به تعبیر زبان‌شناسان، ژرف و عمیق است، باعث شده قطب راوندی در مواردی، با عدول از رویکرد اصلی خویش و با نگاه قرآنی، آیات متناسب با کلام حضرت را بیان کند. این نوشتار بر آن است چگونگی انعکاس آیات قرآنی در این شرح ارزشمند را تبیین کند. در این مقاله، ابتدا مفهوم اقتباس و انگیزه‌های آن توضیح داده می‌شود، سپس این عنصر ادبی و گونه‌های اقتباس از آیات قرآنی در شرح منهج البراعه قطب راوندی بررسی می‌گردد.

هدف ما در این پژوهش، نشان دادن موارد اقتباس مفهومی نهج البلاغه از قرآن از نگاه قطب راوندی است که با روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است. این نوشتار کوشیده است به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. قرآن کریم چه تأثیری بر نهج البلاغه داشته است؟
۲. اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه به چه شکلی صورت گرفته است؟
۳. قطب راوندی در شرح منهج البراعه به چه مواردی از اقتباس مفهومی نهج البلاغه از قرآن مجید، پرداخته است؟

۱-۱. معرفی اجمالی قطب راوندی

قطب‌الدین سعید بن عبدالله بن حسین بن هبة‌الله راوندی کاشانی معروف به قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ق) محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و مورخ شیعه در قرن ششم هجری و از شاگردان شیخ طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان است. وی تألیفات بسیاری دارد که معروف‌ترین آن‌ها کتاب الخرائج و الجرائح است. تاریخ دقیق ولادت وی مشخص نیست اما محل ولادت او در راوند، شهری در نزدیکی کاشان، بوده است (امین، ۱۴۲۱ق: ج ۷، ۲۳۹). وی تحصیلات ابتدایی را در راوند نزد پدر و پدربزرگ خویش گذراند و سپس راهی قم شد. طبق گفته افندی اصفهانی، وی روایاتی را از بزرگان حدیث در اصفهان، خراسان و همدان شنیده و نقل کرده است (افندی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲۵). «راوند» که در آن زمان روستایی در نزدیکی کاشان بود،

زادگاه عالمان بسیاری شناخته می‌شد؛ به گونه‌ای که آقابزرگ تهرانی بیش از ده نفر از بزرگان راوند را منحصر به قرن ششم می‌داند (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۹۲ق: ۱۰۳).

بررسی گونه‌های اقتباس قرآنی در منهج البراعه قطب‌الدین راوندی

حدود شصت کتاب و رساله در علوم مختلف مانند فقه، اصول، تفسیر، کلام، حدیث، تاریخ، شعر و ادب و شرح نهج البلاغه، از آثار قطب راوندی گزارش شده است؛ از معروف‌ترین این آثار، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه* است که ابن ابی‌الحدید درباره آن می‌گوید: «کسی قبل از من تا آن اندازه که اطلاع دارم، به تفسیر نهج البلاغه نپرداخته است به جز یک نفر و آن سعید بن هبة الله بن حسین معروف به قطب راوندی است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م: ج ۱، ۵).

کتاب *فقه القرآن* ایشان که با جامعیت بی‌نظیری انجام شده، جمع‌آوری آیات مربوط به مباحث فقهی است که نشان می‌دهد قطب راوندی از پیشگامان «فقه القرآن» است. مؤلف در مقدمه کتاب، انگیزه خود را چنین عنوان می‌کند: «چیزی که مرا برانگیخت تا دست به نگارش چنین کتابی بزنم، این بود که در میان پژوهشگران کتابی را نیافتم که به خوبی، به بررسی این مهم پرداخته باشد؛ یعنی کتابی که در آن فقه قرآن یا سخنان خداوند متعال بررسی شده باشد، در دست نبود. پس بر آن شدم که در مورد همه مباحث مربوط به آن، مانند لفظ و معنا، ظاهر و باطن آیاتی که درباره احکام شرعی فرو فرستاده شده است، به بررسی پردازم.»

قطب‌الدین راوندی در سال ۵۷۳ هجری قمری درگذشت و پیکرش در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

۲-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص تجلی آیات قرآن در نهج البلاغه و موضوع اقتباس یا تضمین از قرآن کریم، کتبی به صورت مستقل به نگارش درآمده است که از آن جمله می‌توان به *الاقتباس من القرآن الکریم* ابومنصور ثعالبی نیشابوری (م. ۴۱۲ق)، *توشیح البیان بالملتقط من القرآن* حریری (م. ۵۱۶ق)، *رفع الالباس و کشف الالتباس فی ضرب المثل من القرآن و الاقتباس سیوطی* (م. ۹۱۱ق) اشاره کرد. حمید عباس‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه» به گوناگونی اقتباس‌های قرآنی و کارکردهای متفاوت آن‌ها پرداخته است.

درباره شرح *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، نیز مقالات و پایان‌نامه‌های مختلفی تدوین شده است. محسن قاسم‌پور (۱۳۸۴) در مقاله «قطب راوندی و شرح نهج البلاغه» به جنبه‌های ادبی، لغوی و کلامی *منهاج البراعة* پرداخته و بر این نکته تأکید کرده است که برخلاف تصور ابن ابی‌الحدید، این شرح، اولین شرح نهج البلاغه نیست.

سید حمید موسوی و مهدی مردانی (۱۳۹۷) در مقاله «روش واژه‌شناسی قطب‌الدین راوندی در شرح نهج البلاغه»، روش لغوی قطب‌الدین راوندی را بررسی و نقش واژگان در فهم حدیث

را تبیین کرده‌اند.

رضا حاجیان حسین آبادی (۱۳۹۴) در مقاله «روش‌شناسی شرح منهاج البراعه قطب راوندی» به بررسی ساختار شکلی و محتوایی آن شرح پرداخته است.

سید حمید موسوی و مهدی مردانی (۱۳۹۸) در مقاله «تأثیرپذیری شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید از قطب‌الدین راوندی» مواردی از تأیید آرا و نقد نظریات راوندی از سوی ابن ابی‌الحدید را برشمرده‌اند.

حمید موسوی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان روش‌شناسی منهاج البراعه قطب‌الدین راوندی و تأثیر آن بر شروح پسین، به بررسی تأثیرگذاری شرح راوندی بر شروح پسین و گونه‌شناسی انعکاس این تأثیرات از جهات محتوایی پرداخته است.

زینب دامغانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل و بررسی انتقادات ابن ابی‌الحدید به قطب راوندی در شرح نهج البلاغه، انتقادات ابن ابی‌الحدید را بررسی کرده است.

اما درباره موضوع مقاله، یعنی «اقتباس مفهومی نهج البلاغه از قرآن به روایت قطب راوندی در شرح منهاج البراعه» پژوهشی یافت نشد.

۲. معرفی شرح منهاج البراعه

منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه از مهم‌ترین شروح نهج البلاغه محسوب می‌شود. این شرح کهن و روشمند را قطب‌الدین راوندی در سال ۵۵۶ هجری، به صورت مختصر و به زبان عربی نوشته است. در اینکه نخستین شرح نهج البلاغه از سوی چه کسی نگاشته شده، توافقی میان کتاب‌شناسان و پژوهشگران نهج البلاغه وجود ندارد. برخی از احمد بن محمد الوبوری به‌عنوان نخستین شارح نام برده و گروهی سید فضل‌الله راوندی را اولین شارح دانسته‌اند (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). به گمان برخی از محققان، این سومین شرح نهج البلاغه است و برخلاف تصور ابن ابی‌الحدید، این شرح، اولین شرح نهج البلاغه نیست و احتمالاً ابن ابی‌الحدید، ابوالرضا راوندی را با قطب راوندی اشتباه گرفته است (قاسمپور، ۱۳۸۴: ۱۰۹). این شرح، ترتیبی و کامل است که به زبان عربی در سه جلد تدوین شده است. شارح در شرح خطبه اول، به‌طور مشروح و در دیگر قسمت‌ها به‌صورت بسیار موجز، به شرح می‌پردازد. قطب‌الدین راوندی شرح خود را بر پایه شرحی ادبی و لغوی قرار داده است. رویکرد ادبی راوندی از همان آغازین عبارات

کتاب معلوم می‌شود. وی در مقدمه شرح، از میان تمام ویژگی‌هایی که نهج البلاغه داشته، بر بررسی گونه‌های اقتباس قرآنی در منهاج البراعه قطب‌الدین راوندی «الفاظ غریب» و شرح معانی عجیب آن اشاره کرده است و با اشاره به رویکرد اصلی خود

می‌نویسد: «بدان، من در صدد شرح کافی بر کتاب هستم، نکته‌های لفظی و معنوی، ادبی و اصولی در هر فصل را بیان می‌کنم و الفاظ غریب و معانی عجیب را تفسیر و به غوامض و نواذر سخن اشاره می‌نمایم و معانی آن‌ها را با لفظی آسان ذکر کرده تا قسمت‌های مشکل استخراج شود» (راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۹).

شاید دلیل تسلط ادبی ایشان در شعر و ادب بوده که شاهد بر این مطلب، اشعار او به زبان عربی است. قطب راوندی علاوه بر شعر، در ادبیات عرب نیز دانشی درخور توجه داشته و آثاری در آن موضوع تدوین کرده که توانایی و تسلط ادبی قطب را به خوبی نمایان ساخته است؛ مانند *التغریب فی التعریب، الاغراب فی الاعراب*، شرح *العوامل المائة* که شامل صد عامل در علم نحو است، *غریب النهایه* در شرح لغت‌های مشکل فقهی کتاب *نهایه شیخ طوسی*، دیوان اشعار قطب راوندی به نام *نفثة المصذور* (آقابزرگ تهرانی، بی تا: ج ۴، ۲۲۸). بر این اساس، علامه امینی قطب راوندی را از نوایع علم و ادب دانسته است (امینی، بی تا: ج ۵، ۳۸۰). علاوه بر این، نباید از مرادفات قطب راوندی با عالمان و ادیبان و وجود پیشینه شرح *نهج البلاغه* ابوالرضا راوندی به سادگی گذشت. با این حال، از آنجا که قطب راوندی شاگرد ممتاز شیخ طبرسی بوده، تأثیر نفس قدسی استادش، در اندیشه و آثار گرانسنگ او نقش بسزایی داشته است؛ از این رو، مباحث تفسیری، استفاده از آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و معصومین (ع) را در جای جای شرح خود، بیان کرده است. مطالعه شروح نگاشته شده پس از این شرح، نشان می‌دهد که جایگاه علمی مؤلف و تألیف، بر شارحان پسین *نهج البلاغه* از جمله ابن ابی‌الحدید معتزلی تأثیر فراوانی داشته است.

۳. اصل بحث

۳-۱. تعریف اقتباس

اقتباس در لغت به معنای جستجوی شراره و پاره آتش است برای روشنی و گرمابخشی. اقتباس در لغت به معنی پرتو نور و فروغ گرفتن است؛ چنان‌که پاره‌ای از آتش را بگیرند و با آن، آتش دیگر برافروزند، یا از شعله چراغی، چراغ دیگر را روشن کنند و به این مناسبت، فراگرفتن علم، هنر و ادب آموختن یکی از دیگری را اقتباس گویند. و در اصطلاح ادب، آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید و یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد، اقتباس است نه سرقت و انتقال (حلی، ۱۳۷۲: ۶۸ و ۶۹).

در قرآن مجید، واژه اقتباس به همین معنا آمده است: «إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَ تَكْوَمُ

مِنْهَا بَخْبَرٍ أَوْ أَنْيَكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْنَطُلُونَ: آن زمان که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی حس می‌کنم؛ به‌زودی خبری از آن برای شما می‌آورد یا شعله‌ای از آتش آورم تا شاید گرم شوید» (نمل: ۷).
صاحب‌جواهر/البلاغه صنعت اقتباس را چنین تعریف کرده است: «متکلم در سخنان منظوم و یا منثور، چیزی از قرآن یا حدیث بیاورد که مشخص نشود از قرآن و حدیث است» (هاشمی، ۴۱۰: ۴۱۴).

تفاوت اقتباس و استشهاد صریح

در تعریف اقتباس، شرط است که به منبع و گوینده کلام اقتباس شده اشاره نشود، درحالی‌که در استشهاد و استناد، به‌صراحت بیان می‌شود (فتاحی‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۵)؛ مثلاً حضرت پس از اینکه از عدم اختلاف در قرآن سخن می‌گوید، با استناد به آیه ۸۲ سوره نساء به‌صراحت می‌فرماید: «فقال سبحانه: "وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا"» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸). به نظر محققان در نهج البلاغه، حدود ۹۲ مورد از کاربردهای آیات قرآن را استشهادها تشکیل می‌دهد. حضرت (ع) ۶۴ مرتبه در خطبه‌ها، ۱۳ مرتبه در نامه‌ها و ۱۵ مرتبه در حکمت‌ها، استناد صریح و استشهاد مستقیم به آیات قرآن نموده‌اند (معارف، بی‌تا: ۹۶).

۲-۳. اقتباس از قرآن

یکی از معروف‌ترین موارد اقتباس، اقتباس از قرآن است که در نظم و نثر کاربرد دارد؛ مثلاً شاعری آیه‌ای از قرآن را با همان مفهوم که مورد نظر قرآن است، برای هدف و خواست خود، به کار گیرد؛ مانند «مرا شکیب نمی‌باشد ای مسلمانان / ز روی خوب، لَکُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي» (سعدی، ۱۳۸۵: ۵۳).

«لَکُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي» اقتباس از آیه ۶ سوره کافرون است. در نهج البلاغه نیز این‌گونه اقتباس‌ها یافت می‌شود. بعضی از شارحان نهج البلاغه مانند قطب راوندی توانسته‌اند موارد اقتباس از قرآن را مبرهن سازند. اقتباس از آیات قرآنی، سرقت ادبی و انتحال محسوب نمی‌شود؛ زیرا مشخص است که نویسنده یا شاعر، از کلام الهی و منبع وحی استفاده کرده است. ارباب بلاغت و نقد ادبی، اقتباس از قرآن کریم و احادیث نبوی را نه تنها جزء سرقات به شمار نیاورده بلکه آن را مبارک و مقبول یافته‌اند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۵).

از سویی سرقت در یک اثر، زمانی محقق می‌شود که بتوان پاره‌ای یا تمامی آن را به خود

منتسب کرد؛ درحالی‌که چنین امری از کتب آسمانی، منتفی و اساساً بی‌معناست؛ چون این آثار قرآنی در منهاج البراعة قطب‌الدین راوندی شناخته‌شده‌تر از آن است که کسی به فکر سرقت از آن باشد.

بررسی گونه‌های اقتباس
قرآنی در منهاج البراعة
قطب‌الدین راوندی

۳-۳. گونه‌های اقتباس از آیات قرآنی در نهج البلاغه

به نظر بعضی از محققان، می‌توان گونه‌های اقتباس را در این کتاب ارزنده به پنج شکل دید: ۱. اقتباس کامل؛ ۲. اقتباس جزئی؛ ۳. اقتباس متغیر؛ ۴. اقتباس اشاره‌ای؛ ۵. اقتباس استنباطی (همان‌جا). در اقتباس کلی، عین نص قرآنی در اثر و کلام متکلم به کار گرفته می‌شود، بی‌آنکه هیچ تغییر یا دخل و تصرفی در آن ایجاد گردد (نک: همان‌جا)؛ مانند آنچه در نکوهش یاران خود فرموده است: «دَعَوْتُكُمْ إِلَىٰ نَصْرِ إِخْوَانِكُمْ، فَجَرَّجَرْتُمْ جَرَجْرَةَ الْجَمَلِ الْأَسْرِّ وَتَنَاقَلْتُمْ تَنَاقُلَ النَّصْرِ الْأَدْبَرِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْكُمْ جُنَيْدٌ مَّتَدَائِبُ ضَعِيفٌ كَأَنَّمَا يَسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ»؛ شما را به یاری برادرانتان می‌خوانم، مانند شتری که از درد بنالد، ناله و فریاد سر می‌دهید، یا همانند حیوانی که پشت آن زخم باشد، حرکتی نمی‌کنید. فقط گروه اندکی به‌سوی من آمدند که آن‌ها نیز ناتوان و مضطرب بودند، گویا آن‌ها را به‌سوی مرگ می‌کشاند، و مرگ را با چشمانشان می‌نگرند» (نهج البلاغه، خطبه ۳۹). جمله «كَأَنَّمَا يَسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ» اقتباس کامل از آیه ۶ سورة انفال است.

در اقتباس جزئی که در واقع، پربسامدترین گونه اقتباس از آثار ادبی است، ترکیب‌ها و عباراتی گزیده از قرآن در متن آورده می‌شود. این نوع اقتباس در درجه نخست، نشانه انس با قرآن است (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۶). پیداست که این نوع اقتباس در کلام امام علی (ع) که قرآن ناطق است، فراوان دیده می‌شود؛ مانند عبارت «اعْمَلُوا لِيَوْمٍ تَدْخَرُ لَهُ الذُّخَائِرُ، وَتُبَلَىٰ فِيهِ السَّرَائِرُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰) که از آیه شریفه «يَوْمَ تُبَلَى السَّرَائِرُ» (طارق: ۹) اخذ شده است.

منظور از اقتباس متغیر آن است که نویسنده یا متکلم بخشی مستقل از آیه قرآنی را از سیاق جدا می‌سازد و با ساختاری تغییر یافته در لایه صرفی یا نحوی، در اثر و سخن خود به کار می‌گیرد. پاره‌ای از اقتباس‌های نهج البلاغه از این دست است که حضرت با تغییراتی در ساختارهای قرآنی، آن‌ها را به سبک خود در خطبه‌ها و نامه‌هایشان به کار گرفته‌اند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۷)؛ مانند «بِالْقِيَامَةِ تُزْلَفُ الْجَنَّةُ وَتُبَرَّرُ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ: بِا قِيَامَتِ بَهْشْتِ نَزْدِيكَ مِي شُود وَ جَهَنَّمَ بَرَايِ بَدَكَارَانِ أَشْكَارِ مِي شُود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)؛ که برگرفته از آیه «وَبُرَّرَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ» (شعراء: ۹۱) است. در قرآن، زمان ماضی «بُرَّرَتِ» استفاده شده ولی در کلام حضرت، انتقال از ماضی به زمان حال صورت گرفته است: «تُبَرَّرُ». فعل دال بر زمان حال معنا را زنده می‌کند و در حال وقوع و عینی و محسوس و ملموس جلوه‌گر می‌سازد، چندان که گویا اکنون مخاطب آن را بالعیان می‌بیند.

قطب راوندی در شرح خود به این سه گونه، یعنی اقتباس کامل، اقتباس جزئی و اقتباس

متغیر، نپرداخته است؛ زیرا کسی که اندک آشنایی با قرآن مجید داشته باشد، می‌تواند آن‌ها را بیابد. مهم دو گونه دیگر یعنی اقتباس اشاره‌ای و استنباطی است که تشخیص و کشف آن، اشراف به معانی قرآنی را می‌طلبد. قطب راوندی در شرح *منهاج البراعه*، توانسته است به‌خوبی از عهده این کار برآید.

۳-۱. اقتباس اشاره‌ای در شرح منهاج البراعه قطب راوندی

در اقتباس اشاره‌ای، آفرینش‌گر ادبی با اشاره یا نشانه‌ای کوتاه به برخی اشخاص یا حوادث و داستان‌های قرآن کریم، به اثر خود غنا و عمق می‌بخشد و با همین اشاره یا نشانه، تمامی ماجرا برای مخاطب یادآوری می‌شود بی‌آنکه حضور لفظی کامل از ماجرا در متن باشد. بنابراین، اقتباس اشاره‌ای بر پایه معدود واژگانی از متن اصلی و مادر بنا می‌شود (عباس‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۱).

این گونه اقتباس در بلاغت کلاسیک، نام‌هایی متعدد دارد. ابن رشیق قیروانی (۱۹۷۲: ج ۲، ص ۸۸)، نویری (بی‌تا: ج ۷، ۱۲۷) و حلبی (۱۹۸۰: ۲۴۲) آن را «تضمین» نامیده‌اند. برخی بلاغت‌دانان مسلمان نیز، این گونه اقتباس را با نام «تلمیح» بازشناسانده‌اند (همان‌جا). تلمیح از یک سو به جهت ایجاز کلام و از دیگر سو به واسطه انتقال مخاطب به فضای معنایی خاص، در نفوذ کلام، نقشی برجسته ایفا می‌کند.

با توجه به اینکه امام علی (ع) در مکتب قرآن پرورش یافته، سیره و کلام وی مقتبس از قرآن است. شارح نیز به این مهم توجه نموده و آیات متناسب با شرح را بیان کرده است. در ادامه، نمونه‌هایی از این نوع اقتباس که قطب راوندی آن‌ها را اقتباس اشاره‌ای دانسته است، ذکر می‌شود:

الف. امام علی (ع) در وصف رستاخیز و زنده شدن دوباره می‌فرماید: «ثُمَّ مَيِّزَهُمْ لِمَا يَرِيدُهُ مِنْ مَسْأَلَتِهِمْ عَنْ خَفَايَا الْأَعْمَالِ وَخَبَايَا الْأَفْعَالِ: سپس برای حسابرسی و روشن شدن اعمال از هم جدا سازد» (خطبه ۱۰۹). قطب راوندی عبارت «ثُمَّ مَيِّزَهُمْ لِمَا يَرِيدُهُ» را اشاره به کلام الهی می‌داند که می‌فرماید: «وَإِن تَارَوْا الْيَوْمَ أَبْهَاتِ الْمُجْرِمُونَ: جدا شوید امروز ای گناهکاران» (یس: ۵۹) (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۴۶۸).

ب. حضرت در بیان اهمیت تقوا می‌فرماید: «أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهِيَ الْمَعَادُ، زَادٌ مُبْلَغٌ وَمَعَادٌ مُنْجِحٌ، دَعَا إِلَيْهَا أَسْمَعُ دَاعٍ وَوَعَاَهَا خَيْرٌ وَأَع: ای بندگان خدا شما را به تقوای

الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که به منزل رساند، پناهگاهی
قرآنی در منهاج البراعه
قطب‌الدین راوندی است که ایمن گرداند. بهترین گوینده، آن را به گوش مردم خوانده و بهترین شنونده، آن را فراگرفت»

(خطبه ۱۱۴).

قطب راوندی جمله «خَيْرُ وَاَعٍ» را به «حفظها خير حافظ» (بهترین حفظ کننده آن را حفظ کرده) معنا کرده و آن را اشاره به آیه «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاَعِيَةٌ: گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را تواند فراگرفت» (حاقه: ۱۲) می داند (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۱۰).

ج. امام علی (ع) درباره ضرورت امام و حجت الهی در روی زمین می فرماید: «اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَعْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ: آری زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست، که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده، یا پنهان و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه هایشان از میان نرود. تعدادشان چقدر و در کجا هستند» (قصار: ۴۷). قطب راوندی جمله «لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ» را اشاره به آیه «لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ: پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا برای مردم بعد از این پیامبران بر خدا حجتی باقی نماند» (نساء: ۱۶۵) می داند (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۳۲۴).

د. ایشان عبارت «يَتَمَنَّى الْمُضْضِعُ فِيهِ الرَّجْعَةَ» را که حضرت در نامه به یکی از کارگزاران خود فرموده است «عُرِضَتْ عَلَيْكَ أَعْمَالُكَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي يَنَادِي الظَّالِمُ فِيهِ بِالْحَسْرَةِ وَ يَتَمَنَّى الْمُضْضِعُ فِيهِ الرَّجْعَةَ وَ لَاتِ حِينَ مَنَاصٍ: اعمال تو را بر تو عرضه داشتند، آنجا که ستمکار با حسرت فریاد می زند و تبه کننده عمر و فرصت ها، آرزوی بازگشت دارد اما راه فرار و چاره مسدود است» (نامه ۴۱)، اشاره به آیه «رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۱۰۰) می داند (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۳۹)؛ چنان که عبارت «فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي مِثْلِ مَا سَأَلَ إِلَيْهِ الرَّجْعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ: شما امروز به جای کسانی زندگی می کنید که قبل از شما بودند و ناگهان رفتند و پس از مرگ تقاضای بازگشت به دنیا کردند» (خطبه ۱۸۳) را اشاره به آیه فوق می داند (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۲۰۱).

ه. حضرت در خطبه معروف به غزاه در مورد دام های شیطان می فرماید: «حَدَّرَكُمْ عَدُوًّا ... وَنَ مَوْبِقَاتِ الْعُظَائِمِ حَتَّى إِذَا اسْتَدْرَجَ قَرِينَتَهُ وَ اسْتَعْلَقَ رَهِيئَتَهُ أَنْكَرَ مَا زَيْنَ وَ اسْتَعْظَمَ مَا هَوَّنَ وَ حَدَّرَ مَا أَمَّنَ: شما را پرهیز داد از دشمنی شیطانی که... گناهان بزرگ را کوچک می شمارد و آرام آرام دوستان خود را فریب داده، راه رستگاری را بر روی دربندشدگانش می بندد و از آنچه (پیروان خود را) ایمن کرده بود، می ترساند» (خطبه ۸۳). قطب راوندی جمله پایانی را اشاره می داند به آنچه خداوند متعال در سوره حشر آیه ۱۶ از شیطان حکایت کرده است: «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ

کاشان شناسی
شماره ۱ (پیاپی ۲۴)
بهار و تابستان ۱۳۹۹

إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ: کار آن‌ها همچون شیطان است که به انسان گفت کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم!) اما هنگامی که کافر شد گفت: من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم» (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۳۴۰).

و. امام (ع) درباره کم‌طاقتی انسان در برابر جهنم می‌فرماید: «فَكَيْفَ إِذَا كَانَ بَيْنَ طَابِقَيْنِ مِنْ نَارٍ ضَجِيعٍ حَجَرٍ وَقَرِينِ شَيْطَانٍ: پس چگونه می‌شود تحمل کرد که در میان دو طبقه آتش، در کنار سنگ‌های گداخته، همنشین شیطان باشید» (خطبه ۱۸۳)؟! قطب راوندی این سخن را اشاره به کلام الهی می‌داند که فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگاه دارید» (تحریم: ۶) (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۲۰۱).

۳-۲. اقتباس استنباطی در منهاج البراعه قطب راوندی

پراهمیت‌ترین گونه اقتباس همین نوع است. اگر در گونه‌های پیشین اقتباس، محوریت کم‌وبیش با لفظ بود، در این گونه اقتباس، نویسنده با الهام گرفتن از یک آیه قرآنی و پس از دریافت و درک مضمون، آن را به حکم ذوق و قریحه خود بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده حضور لفظی محسوس، یا ذکر صریح از قرآن نمی‌بیند (عباس‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۴). به دیگر سخن، این اقتباس را می‌توان اقتباس معنایی دانست و نظر به محوریت ایده و اندیشه قرآنی در این نوع از اقتباس، تابع شکل و قاعده‌ای خاص نیست، همچنین تشخیص و کشف آن دشوارتر از دیگر گونه‌ها بوده و اشراف به معانی قرآنی را می‌طلبد.

قطب راوندی به دلیل تسلط بر مفاهیم قرآنی در شرح به مواردی از اقتباس مفهومی نهج البلاغه از قرآن مجید، اشاره کرده است که به آن‌ها می‌پردازیم.

الف. امام علی (ع) در خطبه‌ای، با اشاره به فتنه‌های آخرالزمان می‌فرماید: «فَكَمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ بِمَا إِنْ أَدْرَكَهُ وَدَّ أَنْهُ لَمْ يَدْرِكْهُ: چه بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب می‌کند اما وقتی به آن رسید دوست دارد که ای کاش آن را نمی‌دید» (خطبه ۱۵۰). قطب راوندی عبارت یادشده را تداعی‌کننده این آیه شریفه می‌داند که می‌فرماید: «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْأَلُكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مسائلی سؤال نکنید که اگر برای شما آشکار گردد شما را ناراحت می‌کند» (مائده: ۱۰۱) (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۸۱).

ب. حضرت پس از پیروزی در جنگ جمل، در خطبه‌ای خطاب به مردم بصره فرمودند: بررسی گونه‌های اقتباس قرآنی در منهاج البراعه قطب‌الدین راوندی

جمله را اقتباس از آیه شریفه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) دانسته است (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۱۰۲).

ج. در آن زمان که مردم در مدینه با امام بیعت کردند، امام(ع) در اولین سخنرانی خود، خطاب به آن‌ها فرمود: «سَاعٍ سَرِيحٍ نَجَا وَ طَالِبٍ بَطِيءٍ رَجَا وَ مَقْصَرٌ فِي النَّارِ هَوَى الْيَمِينُ وَ الشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَةُ: آن کس که بهشت و دوزخ را پیش روی خود دارد، در تلاش است. برخی از مردم به سرعت به سوی حق پیش می‌روند، که اهل نجات‌اند و بعضی به کندی می‌روند و امیدوارند، و دیگری کوتاهی می‌کند و در آتش جهنم گرفتار است» (خطبه ۱۶). قطب راوندی این سخن را برگرفته از آیه ۳۲ سوره فاطر می‌داند: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ: از میان آن‌ها عده‌ای بر خود ستم کردند، و عده‌ای میانه‌رو بودند، و عده‌ای به اذن خدا در نیکی‌ها از همه (پیشی) گرفتند» (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۷۰).

د. حضرت درباره پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أُرْسِلَهُ لِإِنْفَاذِ أَمْرِهِ وَ إِنْهَاءِ عُدْوِهِ وَ تَقْدِيمِ نَذْرِهِ: شهادت می‌دهم محمد(ص) بنده و رسول اوست. او را فرستاده است تا فرمان‌هایش را روان دارد و حجت را بر همه تمام کند و مردمان را از عذاب او بترساند، پیش از آنکه روز رستاخیز فرارسد» (خطبه ۸۳). قطب راوندی ضمن بیان اقتباس این جمله از آیه «عَذْرًا أَوْ تَذْرًا: برای اتمام حجت، یا انذار» (مرسلات: ۶)، عذر را از ناحیه خدا و انذار را به سوی خلق خدا دانسته است (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۳۲۲).

ه. امام علی(ع) در یکی از خطبه‌های خود از برادری سخن گفته که دارای یازده صفت برجسته از فضایل مهم انسانی است. از جمله یکی از ویژگی‌هایش را چنین توصیف کرده است: «فَإِنْ جَاءَ الْجِدُّ فَهَوَ لَيْثٌ غَابٍ وَ صَيْلٌ وَادٍ: هرگاه کار مهم و جدی به میان می‌آید، همچون شیر بیشه می‌خروشید و مانند مار بیابانی به حرکت درمی‌آید» (خطبه ۲۸۹). قطب راوندی این کلام حضرت را برگرفته از دو آیه شریفه «أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائدة: ۵۴) و «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) می‌داند (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۳۸۶).

و. امام(ع) درباره چگونگی آغاز آفرینش جهان، با اشاره به خلقت فضا می‌فرماید: «ثُمَّ أُنشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَقَّ الْأَجْوَاءُ وَ شَقَّ الْأَرْجَاءُ وَ سَكَتَكَ الْهَوَاءُ: سپس خدای سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه‌یافته را آفرید» (خطبه ۱). قطب راوندی این سخن را اقتباس از آیه «أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» (انبیاء: ۳۰) دانسته است (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۵۹).

ز. حضرت در مقام ستایش خداوند می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ: حمد خدایی را که حمد را کلید یاد خود گردانید» (خطبه ۱۵۷). در اینکه منظور از «ذکر» در اینجا چیست، بین شارحان نهج البلاغه اختلاف است: ۱. ابن ابی‌الحدید منظور از ذکر آن را قرآن مجید می‌داند؛ ۲. ابن میثم و خوبی ذکر را بر چند سوره از قرآن (سوره‌های حمد، انعام، کهف، سبأ و فاطر) حمل کرده‌اند؛ ۳. شوشتری آن را به نمازی که با حمد شروع می‌شود، تفسیر کرده و آیه ۱۴ سوره طه (وَ أَفِمْ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) را شاهد بر آن گرفته است (شوشتری، ۱۳۷۶: ج ۱۲، ۱۶۵)؛ ۴. مکارم شیرازی ذکر را اشاره به هر گونه یاد خدا دانسته، به قرینه روایت پیامبر اکرم (ص) که فرموده است: «كُلُّ كَلَامٍ لَا يَبْدَأُ فِيهِ بِحَمْدِ اللَّهِ فَهُوَ أَجْذَمٌ: هر سخنی که با حمد خدا شروع نشود بریده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۱۶۴).

قطب راوندی از جمله کسانی است که قول اول را پذیرفته زیرا معتقد است: «ذکر»، اقتباس از آیه «إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّمُ الذُّكْرَ» (حجر: ۹) است (قطب راوندی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۱۰۷). ظاهراً ابن ابی‌الحدید کلام ایشان را پذیرفته است.

۳-۳-۳. تفسیر نهج البلاغه با قرآن در شرح منهاج البراعة

یکی از نمونه‌های انعکاس آیات قرآن در شرح منهاج البراعة قطب راوندی، تفسیر کلام علی (ع) با قرآن مجید است. قطب راوندی در موارد زیادی به دلیل تجریدی که در شناخت آیات آسمانی داشته، برای تفسیر و تبیین کلام حضرت، از آن‌ها استفاده کرده است که به مواردی اشاره می‌کنیم: «كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ مُبِيناً حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ وَ رُخْصَتَهُ وَ عَزَائِمَهُ وَ خَاصَّةً وَ عَامَّةً وَ عِبْرَةً وَ أَمْتَالَهُ وَ مَرْسَلَهُ وَ مَحْدُودَهُ وَ مُحْكَمَهُ وَ مُتَشَابِهَهُ مُفَسَّرًا [جُمْلَةً] مُجْمَلَةً وَ مُبِيناً غَوَامِضَةً: کتاب پروردگار میان شماست که بیان‌کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثل‌ها، مطلق و مقید، محکم و متشابه می‌باشد، عبارات مجمل خود را تفسیر، و نکات پیچیده خود را روشن می‌کند» (خطبه ۱).

امام علی (ع) در این فراز از خطبه، در یک تقسیم‌بندی مطالب آن را به هشت عنوان اساسی به شرح زیر تقسیم کرده است: ۱. حلال و حرام؛ ۲. واجبات و مستحبات؛ ۳. ناسخ و منسوخ؛ ۴. مباح و ممنوع؛ ۵. خاص و عام؛ ۶. مطالب عبرت‌انگیز و مثل‌ها؛ ۷. مرسل و محدود؛ ۸. محکم و متشابه. قطب راوندی برای هر یک از این عناوین، آیاتی را از قرآن به‌عنوان شاهد آورده است (قطب راوندی، ۱۴۰۶: ج ۱، ۹۱-۹۶):

الف. حلال و حرام: آیات «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)، «أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهَيْمَةَ الْأَنْعَامِ»

بررسی گونه‌های اقتباس
قرآنی در منهاج البراعة
قطب‌الدین راوندی

(مائده: ۱) و «خَرَّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ» (نساء: ۲۳).

ب. مستحب: آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ» (اسراء: ۷۹).

ج. واجب: آیات «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳)، «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره: ۱۸۳) و «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (آل عمران: ۹۷).

د. مباح: آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳).

ه. ناسخ و منسوخ: آیه «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (انفال: ۶۶) را منسوخ و آیه «الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (همان) را ناسخ می‌داند.

و. عزائم (احکامی که هیچ‌گونه استثنایی در آن نیست): بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أُطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) ولایت ائمه معصومین (ع) در هر حال، واجب است و هرگز ساقط نمی‌شود.

ز. خاص (عدم عمومیت): منظور از خاص به نظر ایشان، آیاتی است که ظاهر آن عمومیت دارد ولی منظور از آن، مورد خاصی است، مانند آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» (بقره: ۱۷۸) چون تنها شامل قتل عمدی می‌شود.

ح. عام: آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸).

ط. امثال: اشاره به مثل‌هایی است که در قرآن مجید آمده است؛ مانند آیه «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِينَ اسْتَوْفَدُوا نَارًا» (بقره: ۱۷).

ی. مرسله: به نظر ایشان، مراد از مرسله آن است که خداوند برای آن حدی قرار نداده است؛ مانند آیه «فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ» (مائده: ۶).

ک. محدوده: خداوند برای آن حدی قرار داده است؛ مانند آیه «وَأَيُّدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» (مائده: ۶).

ل. محکم: مانند آیات «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (بقره: ۲۵۵) و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (توحید: ۱).

م. متشابه: مانند آیات «يَدُ اللَّهِ» (فتح: ۱۰) و «جَنَّبِ اللَّهُ» (زمر: ۵۶).

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته‌شده، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. نهج البلاغه که به برادر قرآن شناخته شده، سرشار از اشارات مستقیم و غیرمستقیم به آیات

قرآن است.

۲. شرح *منهاج البراعه* قطب راوندی، هرچند شرحی ادبی-بلاغی است، در جای جای شرح خود، از آیات قرآن استفاده کرده است.

۳. اقتباس‌های *نهج البلاغه* از قرآن در برخی به صورت کامل و جزئی است که برای همه قابل فهم است، اما در مواردی به صورت اشاره ای و استنباطی است که تشخیص و کشف آن، اشراف به معانی قرآنی را می‌طلبد. قطب راوندی به دلیل تسلطش بر مفاهیم قرآنی، در شرح *منهاج البراعه* به خوبی از عهده تبیین آن برآمده است.

منابع

۱. قرآن مجید (۱۳۷۳)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، قم: دار القرآن الکریم.
۲. ابن رشیق القيروانی، ابوعلی الحسن (۱۹۷۲)، *العمدة فی محاسن الشعر و آدابه و نقله*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، ج ۲، بیروت: دار الجیل.
۳. افندی، عبدالله (بی تا)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، قم: مطبعة الخیام.
۴. امین، محسن (۱۴۲۱ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دار التعارف.
۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۹۲ق)، *التفاهة و العیون فی سادس القرون*، بیروت: دار الکتب العربی.
۶. — (بی تا)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دار الاضواء.
۷. امینی، عبدالحسین (بی تا)، *الغدیر*، بیروت: دار الکتب العربی.
۸. ابن ابی‌الحدید، عز‌الدین (۱۳۸۵ق)، *شرح نهج البلاغه*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. بروجردی، مصطفی (۱۳۸۰)، «نگاهی به شرح‌های *نهج البلاغه*»، *قبسات*، دوره ششم، شماره ۱۹، ۱۲۶-۱۳۷.
۱۰. حاجیان حسین‌آبادی، رضا (۱۳۹۴)، «روش‌شناسی شرح *منهاج البراعه* قطب راوندی»، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، دوره سوم، شماره ۱۰، ۲۳-۳۸.
۱۱. حلبی، شهاب‌الدین محمود (۱۹۸۰)، *حسن التوسل الی صناعة التوسل*، تحقیق د. اکرم عثمان یوسف، بغداد: بی تا.

۱۲. حلبی، علی اصغر (۱۳۷۲)، *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، ج ۲، تهران: اساطیر.
۱۳. دامغانی، زینب (۱۳۹۴)، *بررسی و تحلیل نقله‌های ابن ابی‌الحدید به قطب راوندی در شرح* قطب‌الدین راوندی

بررسی گونه‌های اقتباس
قرآنی در *منهاج البراعه*
قطب‌الدین راوندی

- نهج البلاغه، پایان‌نامه دانشگاه شهید باهنر کرمان، استاد راهنما: رضا فرشچیان.
۱۴. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم: مشهور.
۱۵. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵)، غزلیات، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: سخن.
۱۶. شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶ش)، شرح نهج البلاغه، بی‌جا: دار امیر کبیر للنشر.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الأملی، ج ۱، قم: دار الثقافة.
۱۸. عباس‌زاده، حمید (۱۳۸۹)، «اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال یکم، شماره ۱، ۸۳-۶۷.
۱۹. فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۳۹۴)، «اقتباس‌ها و استنادهای قرآنی امام رضا(ع) در حدیث امامت»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ششم، شماره ۲۱، ۸۷-۶۹.
۲۰. قطب‌راوندی، سعید بن هبة‌الله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.
۲۱. — (۱۴۰۶ق)، منهاج البراعه، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.
۲۲. قاسمپور، محسن (۱۳۸۴)، «قطب‌راوندی و شرح نهج البلاغه (منهاج البراعه)»، پژوهشنامه کاشان، شماره ۱، ۱۱۵-۱۰۳.
۲۳. معارف، مجید، رابطه نهج البلاغه با قرآن، کتابخانه دیجیتال مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵ش)، پیام امام امیرالمؤمنین(ع)، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. موسوی، حمید (۱۳۹۵)، روش‌شناسی منهاج البراعه قطب‌الدین راوندی و تأثیر آن بر شروح پسین، پایان‌نامه دانشگاه قرآن و حدیث قم، استاد راهنما: مهدی غلامعلی.
۲۶. موسوی، سید حمید و مردانی، مهدی (۱۳۹۷)، «روش‌واژه‌شناسی قطب‌الدین راوندی در شرح نهج البلاغه»، پژوهشنامه علوی، شماره ۱، ۱۱۵-۱۳۲.
۲۷. — (۱۳۹۸)، «تأثیرپذیری شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید از قطب‌الدین راوندی»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره هفتم، شماره ۲۸، ۳۸-۲۳.
۲۸. نویری، شهاب‌الدین احمد (بی‌تا)، نهیة الارب فی فنون الارب، تصحیح احمد الزین، قاهره: وزارة الثقافة والارشاد القومي.
۲۹. هاشمی، احمد (۱۴۱۰ق)، جواهر البلاغه، ج ۲، قم: مکتب اعلام الاسلامی.